**مصاحبه با BAKPrivateKabul100618**

**تاریخ: 10 جون 2018**

**محل مصاحبه: دفتر انجمن صنایع افغانستان**

ک: اول این که تشکر از این که سهم گرفتید در انترویو. سوال اولم این است که وظیفه یتان چیست در شرکت؟

BAKPrivateKabul100618: [نام دارنده ی شرکت] مه خود دایرکتر فابریکه هستم.

ک: پس تصمیم گیرنده ی اصلی شما هستید؟

BAKPrivateKabul100618: باالکل. بله.

ک: شرکت چه تعداد کارگر دارد؟

BAKPrivateKabul100618: ما تقریبا 60 تا کارگر داریم. یکی خو در فابریکه است باز نمایندگی هم کارگر داریم. تقریبا داخل فابریکه ما 23 تا 24 نفر کارگر داریم.

ک: کارگرها استخدامشان کانترکت [contract] دارند، قرارداد دارند یا این که مقطعی کار می کنند؟

BAKPrivateKabul100618: از افغانستان او سیستم نیست. نفر میایه یک هفته هم کار می کنه. دو هفته هم کار می کنه. یک ماه هم کار می کنه. این طور نفرها هم است که ده سال کار کرده. منتها از ما مثل ماهانه واری است. سیستم سالانه نیست.

ک: ماهانه باز چند معاش می گیرند کارگرها؟

BAKPrivateKabul100618: فرق داره. از افغانستان، از شش هزار افغانی شروع میشه. شش هزار افغانی تا ده هزار افغانی معاشات داریم.

ک: طرز تولیدات در شرکت چی رقم است، مستقیم با دست تولید میشه، یا این که ماشین است که کارگر او ره به کار می اندازه، یا این که نیمه اتومات است یا این که کاملا اتومات است؟

BAKPrivateKabul100618: ما اول بگوییم همین تولیدات ره از ایران می آوردیم. زیاد وقت، تقریبا پنج، شش سال از ایران می آوردیم. باز همو فابریکه ره خریداری کردیم. چون سیستم ایران هم سیستم کهنه است. آنها ره آوردیم همو سیستم های کهنه واری مکمل اتومات نبود. تقریبا نیم اتومات بود. بعد از او آهسته آهسته کار ره شروع کردیم. پیش رفتیم ده دو، سه سال. باز خود ما ماشین های جرمنی و چینایی آوردیم باز آنها مکمل اتومات است.

ک: یعنی کارگرها در هیچ بخش کار دخیل نیستند؟

BAKPrivateKabul100618: اتومات است. نفر می خواهه که همو سویچ ره بزنه کار شروع کنه و خودش [انتقال به موضوع بعدی] باز کارگرها اینها ره پیکنگ [packing به گویش پاکستانی] می اندازه و ماشین خودش کار می کنه، خودش تولید می کنه.

ک: مواد خام ره کارگر می اندازه و از طرف دیگر [قطع]

BAKPrivateKabul100618: مواد خام ره ماندازه و بعضی ماشین ها هم داریم که مواد خام ره خودش بالا می کنه. خودش بالا می کنه و به تولید میرسانه.

ک: نرخ حد اوسط یک تولید شما چند است در بازار؟

BAKPrivateKabul100618: نرخ ها ما از چین هم مال می آوریم. فی الحال هم می آوریم. مثلا از ما پی.پی.آر است. حالی هم می آوریم. وقتی که در افغانستان تولیدات شروع شد مکمل چینایی، ترکی و ایرانی [بود]، همی پی.پی.آر مکمل بند است حالی. هیچ کس امکان نداره که بیاره به خاطری که قیمت های ما بسیار ارزان است.

ک: درست. قیمت های که در اینجه تولید می کنید؟

BAKPrivateKabul100618: [بله، قیمت های] که اینجه تولید می کنیم بسیار ارزان است. نسبت به ایران و ترکیه و چین.

ک: پی.پی.آر چیست؟

BAKPrivateKabul100618: پی.پی.آر [یک] مواد ره می گن. پولی پریمین [polypropylene random copolymer] یک مواده میگن، مکمل این چیش است، این مواد خامش [ره] پی.پی.آر میگن.

ک: شما پیش تولید دارید که باز خریدار پیدا میشه یا نمیشه یا این که به اساس سفارش تولید می کنید؟

BAKPrivateKabul100618: ما ستوک [stock] داریم. ما خود ما مارکتنگ هم می کنیم. خود ما مشتری هم پیدا می کنیم و توزیع هم می کنیم. مشتری های ما معمولا ما خود ما مارکتنگ برایشان کرده ایم. همی سامانِ ما ره برایشان نشان داده ایم. در بغلش ترکی ره گرفته ایم [مقایسه کرده ایم] که بیا همراهشان امتحان کنید. همو چیزی موادی که ما کار می کنیم ترکی هم همی مواده کار می کنه. مواد ما از ایرانی کرده بالا است. از او [ایرانی کرده] بالا است و کتیشان حساب نمی کنم [بالایشان حساب نمی کنم]. باز ازی خاطر ما مشتری ها می آیه به آنها می دهیم. مشتری های ما عموما در کل افغانستان توزیع می کنیم. اکثرا ما برایشان روان می کنیم.

ک: بیشتر فروشاتتان در کدام شهر است؟

BAKPrivateKabul100618: در خود کابل زیاد است. در جلال آباد است در قندهار است در خوست است. دیگر، در مزار و آن سونها هم داریم ولی بسیار زیاد فروشات نداریم.

ک: سطح تولیدتا در چی حد است، مثلا، چقدر تولید می کنید، در ستوک چقدر ظرفیت داره، شما تا چی حد می توانید او ره پُر کنید؟

BAKPrivateKabul100618: این مطابق مارکیت است. وقتی کار باشه باز ایقه زیاد ستوک نداریم. حالی در رمضان یک ماه ما کار و بار نداریم و یک بگویم یک انفجار شوه، کار و بار ما دو هفته ایستاد میشه. باز ما او ره مجبور ستوک کنیم. به خاطری که ما کارگر داریم. هر گونه کارگر ره باید معاش بدهیم. اگر فابریکه ره ایستاد کنیم خو معاشات اینها هم سر ما می مانه. [در این صور ما] مجبور [هستیم تولید کنیم] و او ره ستوک کنیم. او معلوم نیست تا چی اندازه ستوک میشه و منتها از یک ماه یا اضافه برای ما ستوک میشه، برای ما [روی دست ما] می مانه.

ک: امنیت ره گفتید. امنیت ده سطح کل [انتقال به موضوع بعدی] چند سال فعال بوده شرکت؟

BAKPrivateKabul100618: اصلا این شرکت ما از اول تجارتی بود. تقریبا ما 34 سال همی جواز ما، 34 میشه که ما کار می کنیم ده افغانستان. تجارتی. بعد از او وقتی که افغانستان، ما چیزه پیدا کردیم که تولید کنیم، تقریبا از ما 7 سال یا 8 سال میشه که تولید خود ما شروع کرده ایم. از یک ماشین، دو ماشین شروع کرده ایم. گفتیم که از ایران خریداری کردیم. باز حالی تقریبا ده تا ماشین هم ما رسیده ایم. کارها ره پیش می بریم.

ک: در وضعیت امنیتی ده هفت، هشت سالی که شما وارد کار تولید شده اید، کدام سالی بوده واضح دیده اید که وضع خراب شده، کدام سال دقیق در ذهنتان [قطع]

BAKPrivateKabul100618: 2018 و 17 هردویش همین طور هستیم که ایستاد هستیم. هیچ کار نیست. 18 [ها!] فی الحال ما، اگر در کلِ همین ماه اگر ببینیم هیچ کار و بار نیست. مردم بیخی حیران است که ما، به ما معلوم میشه از کارگر ما. از کارگر ما بسیار ناز میتیم [از کارگرها مراقبت می کنیم] آنها بعضی وقت ها برایم مگین که همین معاشات ما ره از کجا پوره می کنی! به خاطری که به آنها کار معلوم است. پیش، رمضان پیش که بود ما کار زیاد داشتیم. حالی کار و بار نیست. کلِ روز خواب هستند. کارها از او کرده پایین شده رفته راییست [خنده].

ک: برای ایجاد شرکت در اول سرمایه کاملا شخصی بود یا این که دولت به شما کمک کرد یا این که از بانک قرض گرفتید پس با انترست بدهید برایشان؟ همو سرمایه ی اول ره از کجا به دست آوردید؟

BAKPrivateKabul100618: سرمایه ی ما همگی از فامیل است. فامیل است. تجارت فامیلی داریم. نه تا حالی از کس گرفتی. نه بانک داده و نه حکومت کمک کرده. تا همی حالی هیچ کمکی حکومت نکرده و ما هم ندیده ایم. ها منتها خبرهایش می آیه که ما کمک می کنیم و لکچر می دهند. لکچرها زیاد است در این وطن. ما مثلا اگر بگوییم در همی چهار، پنج سال او سرمایه ای که داشته ایم در کابل، اینها ره به فروش رساندیم و کار خوده ادامه داده ایم. اگر به فروش نمی رساندیم کار ما ایستاد میشد. ما نه [...] بانک ها و اینها خو میگن که پیسه میتیم. آنها یک سیستم مغلق جور کرده اند که ده جایی که به تاجر فایده برسانه، از تاجر فایده می گیره. مثلا، برایتان میگه که ما یک لک دالر مثلا همی ره برایتان 15به فیصد فایده [interest] می دهیم. حالی 15 در همی شرایط پوره نکردی، صحیح؟ این ازیتان برای ضمانت یک خانه می گیره. خانه ده جای یک لک دالر، دو لک دالر خانه به ضمانت بدهی. صحیح؟ این حتما است. یک بر دو باید باشه [collateral is two times the size of loan]. وقتی که پیسه ی این ره [بانک ره] پوره نکردی این میره تعمیر قرضه می کنه. خلاص شدی. اینجه سیستم این طور نیست که همراهِ مردم همکاری کنند. اینجه سیستم طوری اس که دیگر هم تاجر ره می زنند. از همی خاطر ما. اگه نی ما زیاد سهولت داریم. این کار ما یک بر دو کرده می توانیم، یک بر سه کرده می توانیم. منتها همی شرایط افغانستان این طور شده که اینها به جای که به تاجر [کار ره] آسان کنند، دیگر هم برایش سخت می کنند.

ک: تولیداتتان باز برای چی به درد می خورد؟

BAKPrivateKabul100618: تولیدات ما عموما به پایپ ها است، آبرسانی، مکمل.

ک: شرکت تولید پایپ است؟

BAKPrivateKabul100618: تولید پایپ است و فتنگ و همه چیزهایش.

ک: خریدارها باز دایمی هستند یا... چی رقم، به شکل اوگرایی می خرند چی رقم؟

BAKPrivateKabul100618: عموما اوگرایی است در افغانستان. نقد بسیار کم است. چون قیمت های ما هم عموما این طور است که ما یک سیستم جور کرده ایم که از بازار کرده حتما پنج تا هشت فیصد ما ارزان می دهیم. مقصد ما این است که به نقد بفروشیم و کار ره زیاد کنیم. حتا در همین کار هم که به نقد می کنیم، ما بسیار اوگرایی داریم. حتما مردم از ما یک هفته، دو هفته، حتا سال ها است که مردم پیسه نمی آوره و حتا این طور مردم است که از ما پیسه می بره. کار می کنه می کنه، باز یک سال این [نفر] جای خوده یلا [رها] می کنه و باز [که رفت] ما از کجا پیدایش کنیم [ممکن نیست]! اینجه ما ضمانت و این چیزها نداریم از مردم که ضمانت بگیریم که بیا همی نفر ضمانت کرده، که اگر روزی گم شد او ره [ضمانت ره] بگیریم.

ک: به چی اساس پس اوگرایی می دهید؟

BAKPrivateKabul100618: همی سیستم ما، گفتم، کلچری [culture] است.

ک: اعتبار است پس!

BAKPrivateKabul100618: بله اعتبار است و زبان است و دیگه چیز نیست.

ک: این خریدارها باز معمولا دایمی می باشند؟

BAKPrivateKabul100618: عموما دایمی هستند. باز خریدار افغانستان این طور است که هر کس که یک چند روپیه ارزان کرد، او سون میره [از همو میخره]، نفر [خریدار] همو ره قبول داره. بسیار پُشت کوالتی هم نمی گرده که کوالتی خوبش باشه. منتها بعضی ولایت ها مثلا خوست و قندهار و این مردم باز کوالتی خوب می خواهند. خوست، مردم خوست بسیار کوالتی خوب می خواهند. هر وقت مثلا یک چیز ره که می خواهند قیمتترین می خواهه و کوالتی خوبترین می خواهه.

ک: ارزش کلی دارایی های شرکت ره چی اندازه تخمین می زنید؟ یعنی در چی حد شما سرمایه گذاری کرده اید؟

BAKPrivateKabul100618: از شروع؟ از شروع ما از دو یا سه لک دالر شاید شروع کرده باشیم.

ک: حالی در چی حد است؟

BAKPrivateKabul100618: شاید یک بر دو یا یک بر سه شده باشه.

ک: شرکت باز شامل کدام اتحادیه صنعتی است؟

BAKPrivateKabul100618: همین یک اتحادیه داریم [انجمن صنایع افغانستان].

ک: کدام کمکی کرده برای شما عضویت در این اتحادیه؟

BAKPrivateKabul100618: خُب، [مکث طویل] ما گفتیم که سیستم این طور جور شده، هر کس که نفر اول باشه او فایده ی اول خوده می گیره. به ما مردم وقتی خبر می رسانند که کلگی چیزهایشه دیگرها برده باشند [خنده] ده پشتو میگن [ضرب المثل پشتو] خُب باز هم به سطح افغانستان این خوب است. کوشش می کنند تا یک جای. تا یک حدی ره کوشش می کنند.

ک: این بخشش بیشتر بالای شما است به عنوان مؤلد که تغییراتی [...] شما گفتید قبلا کار تجارت ره می کردید، فامیل کار تجارت ره می کرد. بعد از این که وارد کار صنعت شدید، تغییراتی در وضع زندگی تان آمد؟ مثلا، در وقت فراغت حالی چی می کنید؟

BAKPrivateKabul100618: مه خودم گفتم که از 35 سال زیاد ما تجارت فامیل داشته ایم. کل برادرها، همراه برادرها کلگی تعلیم شخصی کرده ایم. مه خود ده هندوستان بیچلر [bachelor] کرده ام و ماستری ره ده چین کرده ام و خود از مکتب افغان ترک فارغ شده ام. مکمل تعلیم ما شخصی بود. یعنی زندگی ما از اول هم همین طور بود که یک زندگی خوب داریم. خداوند برایم داده همو زندگی پدرم کوشش کرده، تاجر بود و ما هم همو راه ره تعقیب می کنیم. تغییر خاص اگر بگویم، تغییر خاصی نیامده تا حالی به خاطری که ما پیش نرفته ایم که بگوییم که ما دیگر هم پیش رفته باشیم. گفتم از 30 پیش جایداد خوده فروختیم از خاطر همین کار و بارهای خود تا کار ما نمانه و ایستاد نشوه، حتا جایداد خوده فروختیم.

ک: ده یک حالت بوده اید پس!

BAKPrivateKabul100618: ده همی دو سال، سه سال بگویم.

ک: حالی بیشتر مصروف نشده اید؟ این طور احساس نمی کنید که مصروفیت تان بیشتر شده باشه؟

BAKPrivateKabul100618: بله. بله! مصروفیت ها زیاد شده منتها فامیل ما کلان است. اگر بگویم خودم مصروف زیاد شده باشیم و پیش از او برادرم هم بود در همی وظیفه. حالی خودش نیست. ده چین است کتی فامیلش. افغانستانه ماند [خنده] [افغانسته گذاشت و رفت] منتها هدفش این بود که فابریکه ره هم بند کنه از خاطری که از مشکلات افغانستان [خلاصی پیدا کنه] [مکث] خُب، مصروفیت ها زیاد شده.

ک: یک فامیل دارید یا چند فامیل؟

BAKPrivateKabul100618: یک فامیل هستیم. ما فامیل کلان هستیم.

ک: منظورم یک زن دارید دو زن دارید؟

BAKPrivateKabul100618: نی! نی! یک زن داریم ولی بیادر زیاد هستیم. کلگی ما یک زن داریم. دو زنه کی جواب داده میتانه! [خنده]

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

BAKPrivateKabul100618: زیاد شوقی اش نیستیم. زیاد شوقی اش نیستیم.

ک: در اجتماعی که زندگی می کنید، مردم تصویرشان از شما چیست که یک آدم سرمایه گذار هستید، پولدار هستید یا مثلا نیازمند معاش هستید از طبقه ی متوسط یا این که فقیر هستید؟ و یک احساسی شما هم دارید از جایگاهتان؟ چی است همی احساس، مربوط کدام طبقه می دانید خوده؟

ک: ما زندگی ما میانه رو است. ما همراه اندیوال ها و دوست ها، اینها فکر نمی کنن که ما مثلا فرق کرده باشیم از زمانِ مکتب و پوهنتون و ماستری. ما تا حال همراه اندیوال ها همان گونه سابق شیشتن داریم، هفته ای یک بار مهمانی و چیز میشه. همو یک جای کمک باشه و مثلا یک کسی، ما خود ما یک اتحادیه ی چند نفری داریم، پیسه ره پرداخته می کنیم، ده ماه ماه، باز می بینیم که ده اندیوال های ما یک کسی کمی ضعیف باشه همراه او همکاری می کنیم. خود ما، مثلا، کسی عروسی اش یا چیزش باشه از دوست ها و قریب ها، همراه آنها همکاری می کنیم. از ما سیستم ما این طور نیست که مثلا بگوییم، مغروریت و این چیزها باشه.

ک: منظورم مغروریت نبود. یعنی مردم یک تصویری دارند از شما که مثلا [قطع]

BAKPrivateKabul100618: اعتبار دارند زیاد مردم از خاطر همین تصویر ما. مردم زیاد اعتبار می کنند. اعتبار در افغانستان داشته باشی خی می فهمی که حتما تصویری خوب داری.

ک: تحصیلات گفتید که در حد ماستری است.

BAKPrivateKabul100618: بله ها! بله ها!

ک: اگر وقتش را داشته باشید از اینه کدامش را انجام می دهید (سه اوپشن option است): میرن به یک نمایشگاه هنری، یا به یک محفل مشاعره و کتابخوانی، یک این که همراه دوست ها میرین قرغه، حوض آببازی، یا ورزش می کنید، یا بیلیارد می زنید، به یک رستورانت می روید، یا این که به هیچ کدام اینها پول ندارید؟

BAKPrivateKabul100618: ما شوقی تمرین هم هستیم و عموما در اینطور وقت تفریح مه کتی اندیوال ها می نشینیم. میله میرویم یا یک مهمانی.

ک: در کدام نقطه ی شهر زندگی می کنید؟

BAKPrivateKabul100618: شهرک آریا هستیم.

ک: قبلا کجا زندگی می کردید؟

BAKPrivateKabul100618: قبلا در کارته سه بودیم. خانه ی خود ما بود در همی نزدیکی پارلمان. همینجه خانه ی ما بود.

ک: اطفال به مکتب خصوصی می روند یا دولتی؟

BAKPrivateKabul100618: خصوصی می روند. کل اطفال خصوصی می روند.

ک: گفتید که در ایجاد صنعت بیشتر روابط فامیلی موثر بود که صنعت ره ایجاد کنید. دوست ها هم کمک کردند؟ اعضای جامعه؟

BAKPrivateKabul100618: نی، عموما از فامیل بود.

ک: [تأییدی] فامیل بود!

BAKPrivateKabul100618: فامیل بود، بله.

ک: فعلا چند موتر دارید؟

BAKPrivateKabul100618: موتر ما، معلوم نیست دیگه، دو، سه تا داشته باشیم [خنده]

ک: قبلا چند تا داشتید؟

BAKPrivateKabul100618: از همین [مکث] 10، 12 سال بگویم تا قتی که یادم می آیه همین قدر است.

ک: چند بار حج رفته اید؟

BAKPrivateKabul100618: [چند] برادر [دارم]؟

ک: حج چند بار رفته اید؟

BAKPrivateKabul100618: حج! تا به حالی نرفته ام. زیاد چیز دارم که بخیر بروم ولی از کارها خلاص نشده ام. اگر نی عمره خو می رفتیم. به خاطری که حالی عربستان یک سیستم جور کرده که جوان ها ره اجازه نمیته [خنده] اگر نی می رفتیم. جوان ها از چهل سال به بالا نباشه، رفته نمیتانه. یا این که همراهشان یک زن باشه که برو.

ک: حج عمره و حج [فرضی]؟

BAKPrivateKabul100618: نی تنها به حج عمره.

ک: سفر کجا می روید معمولا؟ سفرهای غیرکاری، اگر وقتی بخواهید بروید همراه دوست ها یک سفر به جایی؟

BAKPrivateKabul100618: ده افغانستان یا بیرون؟

ک: بیرون از کشور.

BAKPrivateKabul100618: ما خودم چین ره زیاد دوست دارم. چین، ها! ده هندوستان اکثر وقت ده هندوستان هم زیاد میرویم. دیگه آن قدر زیاد جاها [نمی روم]. کی ویزه میته به ما و شما افغانها [خنده]!

ک: چند باب خانه دارید؟

BAKPrivateKabul100618: یک تا خانه دارم.

ک: قبلا هم یک خانه داشتید؟

BAKPrivateKabul100618: نی! قبلا خانه زیاد داشتیم. خب از خاطری، گفتم، کرایسس [crisis] بود، باز همی جنجال های وطنی اس، از همی خاطر اکثر این جاها ره فروختیم.

ک: دوست هایی که همراهشان وقت می گذرانید، همراهشان می نشینید، می خیزید، چکر می روید، اینها کی ها هستند، چی رقم انسان هایی هستند؟ یک تصویری از اینها بدهید.

BAKPrivateKabul100618: ما اندیوال های ما عمومی اندیوال های مکتب ما است. تا حالی هم می نشینیم. تا حالی هم یکجا می نشینیم. هر جایی که باشیم، کابل باشیم، قندهار باشیم. کل اندیوال های ما اندیوال های مکتب است.

ک: بعد از این که وارد کار صنعت شدید، از کس های دیگری که در این شغل مصروف هستند، از این جمع هم اندیوال پیدا کرده اید؟

BAKPrivateKabul100618: اکثر ما کتی همو اندیوال پیشین خود اندیوالی داریم. [ده بینِ صنعتکارها هم] داریم اندیوال داریم منتها شیشتن و مثلا یک جای رفتن عموما کتی آنها [اندیوال های دوره مکتب] است. به خاطری که آنها ره از اُشتکی می شناسیم. اکثرشان حالی داکتر است یا انجنیر است. اکثریت اینها ماستری کرده اند و گروپ ما همین طور یک گروپ است که هیچ کس نی سگرت می زنه و او نشه های دیگه خو بان! کلگی ما همین طور جور شده ایم به خاطری که از همو افغان ترک مکتب فارغ شده ایم و یک برادری واری یک گروپ بودیم. تا حالی هم بسیار و اکثرا در وظیفه های خوب خوب، وظیفه داریم در حکومت هم. ولی ما همو اندیوالی ما مثل پیش که بود همو رقم تا به حال هم استیم.

ک: این بخش بیشتر بالای نحوه ی تصمیم گیری در خود شرکت است. تصمیم گیری بیشتر متمرکز است در شرکت؟ مثلا شما تصمیم می گیرید و ابلاغ می کنید؟ در باره ی مصارف کلان. یا این که همه اعضای شرکت در او سهیم هستند؟

BAKPrivateKabul100618: ما عموما تصمیم گرفتن مهم است و باید حتما مشوره کنی. ما عموما مشوره می کنیم در این باره.

ک: همراه شاگرهای عادی هم مشوره می گیرید؟

BAKPrivateKabul100618: ما خودِ کارگرها ره چند کتگوری داریم. اکثرا کتی یک گروپ داریم، که همراه همو مشوره می کنیم.

ک: معمولا چند نفر می باشه در این جمع؟

BAKPrivateKabul100618: معمولا چهار، پنج نفر. باز دیده میشه که ده کدام بخش باشه باز کتی آنها مشوره می کنیم.

ک: به شاگرها برعلاوه معاش دیگه کدام خدمات دیگری هم ارایه میشه؟

BAKPrivateKabul100618: بله! عیدی داریم، زکات داریم. ما ده هر سال سه، چهار نفره ده عروسی شان شرکت کمک می کنیم. به خاطری که اینها فقط همین یک جای دارند [که همراهشان کمک کنه]. ما حتما همراهشان کمک می کنیم.

ک: سه وقت نان و [قطع]

BAKPrivateKabul100618: سه وقت نان داره. مثلا ده همی رمضان ما کارهای اینها ره از طرفِ شو کردیم تا اینها هوسا [آسوده] باشند. مکمل نان و چای و میوه و همی سیستمش کلش جور شده.

ک: جای بود و باش هم [قطع]

BAKPrivateKabul100618: جای هم داریم. اتاق ها برایش داریم.

ک: کارگرها شامل کدام اتحادیه کارگری و این گپ ها خو نیستند؟

BAKPrivateKabul100618: [آهی بلند] او اتحادیه تا به حال نیسته ده افغانستان. فعال نیست. اینها ما گفتم که مردم ما بسیار غریب است. پشت این گپ ها نمی گرده که اینها میگن که برو برادر ما یک نان امشب ره پیدا کنیم حالی پشت اتحادیه چی کنیم. اتحادیه چی فایده برای ما میرسانه.

ک: کس های که در تصمیم گیری سهیم هستند بیشتر کلش از افغانستان هستند؟

BAKPrivateKabul100618: بالکل.

ک: شرکت همراه دیگر شرکت های که در بخش پی.پی.آر کار می کنند ارتباط داره؟ در قسمت تصامیمتان، در قسمت بازاریابی، در قسمت دسترسی به مواد خام، و این حرف ها، این طور کدام همکاری وجود داره بین تان؟

BAKPrivateKabul100618: هیچ همکاری وجود نداره.

ک: هیچ همکاری وجود نداره!

BAKPrivateKabul100618: نی! از ما همو رقابت آزاد است و هر کس می فهمه و قیمت های خوده می فهمه. هر چیز که جور می کنه خود جور می کنه. ما این طور یک سیستم نداریم که یکجای بنشینیم و اتحادیه داشته باشیم.

ک: کمک دولت چطور است. همراه نهادهای دولت هم داخل مذاکره می شوید در قسمت ارایه ی خدمات؟ پیشتر گفتید در قسمت زمین و کرای زمین و این گپ ها؟

BAKPrivateKabul100618: تا به حالی خو هیچ چیزی نشده. گفتنِ چیز، در افغانستان کلش لکچر است. برایتان میگه

[توقف]

ک: سوال این بود که در قسمت خدمات دولتی نهادهایی است که شما با آنها در ارتباط باشید؟ یا آنها بیایند از شما پرسان کنند؟

BAKPrivateKabul100618: ما از حکومت که تا به حال چیزی ندیده ایم منتها همی پروگرام ها ره جور می کنه. لکچر میته که ما این طور کار می کنیم. سیکورتی [security] جور می کنیم، زمین میتیم برایتان، برق میتیم. همی کارها ره می کنیم. منتها هیچ چیز هم نکرده اند. زمین ره اگر بگوییم، اینه ما هشت سال، هفت سال کار می کنیم تا به حالی کس نیامده که بیا زمین برایتان بتیم. حتا حالی اینه خود ما آمدیم اینجه زمین شخصی ره می گیریم.

ک: این زمین ها شخصی است؟

BAKPrivateKabul100618: [بله] زمین های شخصی یک نفر توزیع می کنه. یک پارک ره جور کرده. همونجه ما میرویم. ده جایی که حکومت همی جای ره برای ما می داد. همی حالی مه خودم ده یکجای کرایی شیشته ام.

ک: چند کرایه می دهید؟

BAKPrivateKabul100618: 1600 دالر ما کرایه می دهیم.

ک: معمولا کرایه در همین حد است؟

BAKPrivateKabul100618: فرق داره دیگه. تا نفر گرفت قیمت است دیگه. مجبوری است.

سیکورتی ما خود ما می گیریم [تأمین می کنیم] از خود، از حکمت سلاح گرفته ایم خود ما سیکورتی می گیریم به خاطری که جنجال ها زیاد است. صفایی [تنظیف] خود ما می کنیم. اگر نی هم پیسه ی صفایی می دهیم هم از سیکورتی می دهیم هم از زمین میتیم. کلگی کارها ما می کنیم. ولی اینها هیچ چیز برای ما نداده اند.

ک: کمک دولت نبوده!

BAKPrivateKabul100618: نی هیچ کمکی برای ما نداده اند.

ک: در اول که سرمایه گذاری می کردید نیامده دولت نگفته که ما در این بخش به سرمایه گذاری ضرورت نداریم، به یک بخش دیگری بروید. یا این که یک معلومات ابتدایی [قطع]

BAKPrivateKabul100618: او سیستم بیخی نیست. به جایی که برایتان کمک کنه یا یک راه برایتان نشان بته دیگه جنجال هم برایتان ایجاد می کنه. [مثلا] ما یک جواز جور می کردیم. جواز ما تقریبا یک ماه وقت گرفت اگه برین ده سیستم اینها میگن ده یک روز برایتان جواز میتیم، جواز تجارتی. از ما یک ماه گرفت. به خاطری که وقتی که ما رفتیم، جواز و اسنادها ره دادیم، سیستم جور شد، باز نام باید بانی، نام که ماندی باز میگه برایتان که نام های دیگری [بالای دیگر کمپنی] از این نام است، این نمیشه. خُب [ما پرسان کردیم] که ما چطور کنیم. [گفتند] والله نمیشه. باید نامش تغییر کنه. حالی وقتی یک کس فابریکه جور می کنه او از اول نام و چیز ره انتخاب می کنه. مجبور بروه این نفر ره پیسه بته. مجبور این ره یک بار پیسه بتی. از اینجه که برآمدی باز به یک ریاست دیگه میری و او نفر می آیه جایه چک می کنه. این که آمد بسیار یک خوب صوفی صوفی مردم هم هستند. قال الله و قال رسول هم میگن. باز می آیه جایه چک می کنه. باز اینها میگن که ما برایتان یک چیز جور کن، یک بزنس پلان جور کن. باز بزنس پلان که برایش جور کنی باز آن ره پاس [منظور] نمی کنه. میگه ما این ره نمی فهمیم. ما خود ما بزنس پلان ره چون ده دری خوب نیس، به پشتو برایش جور کردم. اگر نی پرسان کردیم که [میشه] برایتان به انگلیش حور کنیم. باز گفتند نی پشتو جور کنید. انگلیش نمی فهمیم. باز آن ره پاس [منظور] کرده نمی توانه. ما گفتیم، از خاطری که پیسه می خواست، ما گفتیم پیسه نمیتیم. اگه ما بدهیم، ما یک جوان نو هستیم. اگه ما پیسه برایتان بتیم دیگه کل مردم باید بته. باز از این خاطر یک ماه یک جواز ما برآمد. همی گفتن این بود که ده جایی که همراه ما کمک کنه برای ما دیگه مشکلات هم جور می کنه.

ک: رسیدیم به بخش آخر. این طور وقتی شده در همین ظرف هشت سالی که شما فعال بوده اید، کدام سالی این طور احساس کرده باشین که کار صنعت کاملا رکود کرده. شما گفته باشین که دروازه اش ره بسته کنید بروید به یک کار دیگری بپردازید؟ این طور وقتی به این تصمیم رسیده اید؟

BAKPrivateKabul100618: [بله] چند باری به این تصمیم رسیده ایم.

ک: کدام سال بوده؟

BAKPrivateKabul100618: سال پیش. 2017 به این طور یک تصمیم رسیدیم تا فابریکه ره بند کنیم حرکت کنیم از اینجه. گفتم یک برادرم همی حالی هم ده چین است همراه فامیلش. چون زیاد همی تکلیف ها و جنجال ها ره که دیدیم، برایتان گفتم، همی جنجال ها از خاطری که همین ها گفت [برادرم گفت] که بیا این وطن [...] یک تاجر در هر جای باشه، یک انویستر [investor به گویش پاکستانی] ده هر جایی باشه، چون ما در هندوستان هم دیدیم، در چین هم دیدیم، بسیار کمک می کنه حکومت [برایشان]. اینجه کتی ما رویه طوری می کنه که ما دزد هستیم. از اینها پیسه می خوریم یا فایده ... ما به حکومت تکس [tax] میتیم. ده کروزین هم اینها می نشینند، ده چوکی هم اینها می نشینند. راه هم سر ما بند می کنه و هر چیز می کنه. از این خاطر چند بار همین طور به یک چیز رسیده ایم که بند کنیم. یا این که همین فابریکه ره کتی خود ببریم ده یک هیواد دیگر نزدیک آسیا باشه. خو باز هم از خاطری که همو وطن ما است. کوشش می کنیم که باشیم.

ک: چرا مثلا؟ چرا انگیزه ای که می خواهید باشید چی است؟

BAKPrivateKabul100618: همین مشکلات سیکورتی است. همین مشکلات است. تکس [tax] از ما، تکس سیستم ره جور کرده که بین المللی است. همو سیستم آنلاین است. [از] ده امریکا، همو ره کاپی کرده اند.

ک: اما با وجود این مشکلات، چرا باز هم کار ره ادامه داده اید؟

BAKPrivateKabul100618: همین وطن ما است [مکث]. از وطن رفتن بسیار یک [نامفهوم]. ما خودتان برایتان معلوم است. سفر کرده اید زیاد، تعلیمتان در خارج کرده اید. چقدر ما ... ما یک وقت به هندوستان میرفتیم همی رجسریشن [registration] هندوستان ره می کردیم. چهار ساعت انتظار می شدیم در آفتاب تا مراحل آن ره پاس کنیم. باز هم می گفت که "افغان، اووو!" نام ما این قدر بد بود. [اینجه مانده ایم] از خاطری که وطن ما است. اگر ما کار نکنیم، جوان کار نکنه، مردمی که از این وطن پشیمان است، او خو رفته دیگه. هر روز می بینی که به هزارها نفر میره. حالی اگر ما جوان ها ده اینجه کار نکنیم خی کی ماند در این وطن؟ دو، سه نفر است اینها کل همین جنجال قومی و جنجال وطنی و زبانی و اینها مصروف هستند حالی. از این خاطر این طور نیست که ما فایده نداریم. فایده هم داریم. ولی به اندازه ی بین المللی که ما کار می کنیم، زحمت می کشیم، صبح تا شام کار می کنیم. پیسه ی ما بند است، باید ما باید بسیار فایده بگیریم.

ک: همین که میگین پیسه یتان بند است، منظورتان چیست از این؟

BAKPrivateKabul100618: منظور ما [این که] فابریکه یک سیستم است؛ ماشینری. این ره که آوردی مجبور که این ره 70 فیصد تاوان کنی که وقتی که می فروشی. همی پیسه ی ما بند است. ماشینری ره که نو خریدی مجبور که بفروشی. 70 درصد برای ما تاوان است. از 70 تا 60 فیصد برای ما تاوان میته. همین پیسه [سرمایه ی] ما است. همین پیسه را ما بند می کردیم ده هر جای دنیا، برای ما تنها از همی پیسه ی ماشینری ما آنقدر پیسه می آمد که ما هیچ ضرورت نداشتیم [نمی داشتیم] که کار کنیم.

ک: حساب اوگرایی خو نقش نداره که پیسه بند است پیش دیگرها و شما اگر فابریکه ره بند کنید، آنها [قطع]

BAKPrivateKabul100618: این چیزها هم می آیه [ده حساب]. این چیزها هم می آیه، حتما. وقتی که کار بند میشه اکثر پیسه هایت می سوزه. از خاطری که ما پیش گفتیم که ما اینجه یک ذمه‌واری [ضمانت] نداریم که از کسی تضمین بگیریم. کلگی به نام وطنی و اسلامی اعتبار است. حتما می سوزه. در این سوختن است.

ک: سالی که، ...، آخرین سالی که بالای توسعه شرکت پول مصرف کردید، ماشین خریدید، کدام سال بود؟

BAKPrivateKabul100618: در همین سال یک ماشین خریدیم. 56 هزار دالر یک ماشین آوردیم. پارسال یک ماشین دیگر از پی.پی.آر ره آوردیم.

ک: باوجود این که ناامید هستید، معلوم میشه که ...

BAKPrivateKabul100618: بله! بله!

ک: [با وجود ناامیدی] ماشین خریدید!

BAKPrivateKabul100618: بالکل.

ک: پس معلوم میشه که عرصه ای است برای صنعت [هنوز هم].

BAKPrivateKabul100618: صنعتکاری این طور یک چیز است، این پیش میره، کلان شده میره. مجبور که بیاری. مثلا، مود و فیشن است. کالا است ما مجبور، مثلا، ما جوان ها همی برند نایک [Nike] ره بپوشیم. به خاطری که ما طبیعتم همین طور جور شده. حالی وقتی که از ما است، ما مجبور که همی قالب ره تغییر کنیم. اگر تغییر نکنیم سامان ما فروش شده نمیشه. مجبور که ما نو قالب ره بیاوریم. دیزاین نو بیاوریم. به مردم توزیع کنیم. باز ما او ره فروش کرده می توانیم. اگه نی او [فابریکه و تولید] ایستاد میشه.

ک: همین پالیسی که گفتید. پالیسی نوآوری‌تان چی رقم است؟ یعنی انویشن [innovation] آخرین بار چی وقتی برای آوردن یک تغییر در تولیداتان [قطع]

BAKPrivateKabul100618: می آوریم [بله!] ما هر سال تغییرات می آوریم.

ک: [تأیید] هر سال؟

BAKPrivateKabul100618: [بله] هر سال می آوریم. باید بیاوریم. قانون تجارتی است. باید تغییر بیایه. تغییر از این خاطر باید بیایه که یک آیتم نو باید بیایه تا مارکیت او ره نداشته باشه. به خاطری که هر چیز که جور می کنی زیاد مصرف سرش می آیه، مجبور که این ره تغییر کنی تا مردم او ره خوش کنه و سامان دیگه هم زیاد بگیره.

ک: در همین باره کی تصمیم می گیره؟

BAKPrivateKabul100618: این یک تیمِ فامیلی ماست.

ک: مواد خام ره از کجا به دست می آورید؟

BAKPrivateKabul100618: مواد خام ره از افغانستان می گیریم. عموما از سعودی می آیه. سعودی و دوبی.

ک: [تأییدی] از سعودی می آیه؟

BAKPrivateKabul100618: بله.

ک: از [ساخت] افغانستان خو چیزی استفاده نمی کنید؟

BAKPrivateKabul100618: ده افغانستان نمیشه نی.

ک: چقدر مصرف میایه از مواد خام بالایتان؟

BAKPrivateKabul100618: تقریبا، ما چند رقم مواد داریم. ما سه کوالتی تولید می کنیم. کوالتی اعلی، میانه و بازاری. کوالتی اعلی که است او ره کلگی مواد عربی کار می کنیم. کوالتی دوم که است ده او عربی و ایرانی کار می کنیم. کوالتی سوم که است او تنها ایرانی کار می کنیم. حالی تقریبا، هفته، مثلا، یک شش تُن، هفت تُن کار میشه.

ک: [تأییدی] ده یک هفته شش، هفت تُن کار میشه؟

BAKPrivateKabul100618: ها!

ک: میزان مفادتان در چی است؟ مثلا یک پیپ ره می فروشید؟ یا یک بسته ای از پیپ ها ره می فروشید؟ این طور تخمینی پیش [قطع]

BAKPrivateKabul100618: این طور ما گفتیم که مارکیت ما این طور است: هیچ چیز معلوم نمیشه [نیست]. ما باید پروسس این کار ره پیش ببریم. کار ما [در هر حال] باید ایستاد نشوه. از این خاطر. اگه ما به همو قیمتی که برای ما آمده به همو بفروشیم، خوش هستیم. اکثر مال های ما همین طور میشه، مثلا، در همی ماه رمضان ما 5 فیصد دسکونت [discount] دادیم ده سامان های کلگی ما. همو فایده ای که می گرفتیم کلگی رفت. باز هم حد اکثر پیپ های، ده یک پیپ ما سه روپیه، چهار روپیه ده یک پیپ باید ما فایده داشته باشیم.

ک: که چند است یک پیپ خودش؟ خود فروشش چند است؟

BAKPrivateKabul100618: فروش زیاد داریم ما. مثلا، اگه ده یک پیپ سه روپیه، چهار روپیه فایده داریم، ما ده روزی هزار خاده هم فروش داریم.

ک: از این جمع ده بین کارگرهای شما کدامیک بیشتر است؟ کس های است که از خود محل هستند، یا همولایتی هستند، یا کدام ترجیحی به هم قومی هم می دهید؟ یا این اعضای فامیل و خویش و اقارب هستند؟

BAKPrivateKabul100618: ما چون گفتیم که ما تاجر هستیم. به ما مهم نیست که کی هستی و کی نیستی. به ما مهم است که کی کار می کنه. نفری که کار می کنه [استعداد و کارش] برای ما مهم است. کتی ما مردم است که از پدر همراه ما کار می کنه. یعنی از وقتِ پدر، از بیست سال هم زیاد میشه که همراه ما کار می کنه ولی آنها از کابل است، از پغمان است. تقریبا، از لوگر داریم، از جلال آباد داریم، از خود هوتخیل ها داریم زیاد کارگر. از کندز داریم. از کلگی ولایت های افغانستان است. از قندهار، خود ما از قندهار هستیم، یک تا از قندهار داشتیم او هم پس رفت قندهار که همونجه وظیفه دادیم برایش. از ما همین طور کار است. برای ما مهم نیست که کی زبانش چی است. برای ما مهم است که کی پلان ما ره پیش برده می توانه.

ک: یک سوال دیگر در رابطه به، بعضی دارایی های شرکت قابل انتقال نیست. قبلا گفتید که میشه این فابریکه ره ببرید به یک کشور دیگری. همو دارایی های که شما دارید که قابل انتقال نیست، چند تخمین می زنید در مجموع؟

BAKPrivateKabul100618: والله! او خو معلوم نیست. ولی، منتها، یک هفت، هشت پایه ماشین ها است. همین چیز است.

ک: آنها قابل انتقال استند؟

BAKPrivateKabul100618: حتما است. چرا نیست. انتقال میشه. ولی مصرف می آیه سرش. همین چیزی که ما 70 فیصد تاوان می کنیم. [به جای] هفتاد فیصد، 40 فیصد قیمتش را اگر هزینه بدهیم انتقال میشه. همی یک مصرف سر ما اضافه می آیه. باز هم برای ما یک 30 فیصد می مانه.

ک: این ماشین ها به درد کدام تولید دیگری هم می خوره یا فقط [قطع]

BAKPrivateKabul100618: فقط... همی هر ماشینی که است برای یک چیز کار میته.

ک: رقابت چطور است؟

BAKPrivateKabul100618: رقابت سالم نیست.

ک: هم از خارج هم از داخل.

BAKPrivateKabul100618: رقابت در افغانستان هیچ سالم نیست. چون ما پاکستان داریم، ما چین داریم. چین ده کل دنیا پیش است. ایران داریم. ایران اکثر جنجال ها جور می کنه. مثلا مواد عربی ره که ما می آوریم باز ده حکومت اینها مردم داره، مواد عربی ره زیاد فیصدی می گیره. ده جایی که کم بگیره، سر مواد باید یک فیصد بیایه، اینها 2.5 یا 3 فیصد سی.تی [custom tax] می گیره. از مواد ایرانی باز کم می گیره. این طور جنجال های چیز است، باز [مکث] رقابت زیاد است.

ک: دولت در قسمت تعرفه همکاری کرده همراه شما؟

BAKPrivateKabul100618: تعرفه بالای چی؟

ک: ره بالا برده باشه بالای واردات که برای شما [کمک شوه]؟

BAKPrivateKabul100618: بله! این جنجال چند بار جور شد و مردم خیست و پس ایستاد شد تا کم کنه چون نمیشه امکان نداره. وقتی که در یک چیز دو فیصد، سه فیصد فایده داری، حکومت خودش 2.5 فیصد ازیتان بگیره، دیگه هیچ چیز نمی مانه. مردم مجبور ایستاد شوه.

ک: منظور از تعرفه بالای واردات بود. واردات بالای پیپ.

BAKPrivateKabul100618: خو خو خو [فهمیدم]. از دیگر کشور که بند کنه؟

ک: بله

BAKPrivateKabul100618: نی! او سیستم هیچ نداره. از دیگه جایی که [انتقال به موضوع بعدی] حالی ما مستقل هستیم. افغانستان فابریکه ها داریم که هیچ ضرورت نیست که از دیگه جای بیاوریم ما جنس ها. ولی تا حالی می آیه. اگه چند بار هم فابریکه والا [صاحب فابریکه ها] برایش رفته و به حکومت گفته که ما مستقل [هستیم] بند کنید. ما مکمل جواب افغانستانه می گوییم. منتها تا به حالی هم بند نکرده.

ک: تعرفه ره هم بالا نبرده؟

BAKPrivateKabul100618: نی!

ک: بازاریابی شما به چی شکل صورت می گیره؟

BAKPrivateKabul100618: ما عموما سیستم مارکتنگ داریم.

ک: مستقیم همراه مشتری نو رو به روی همراه شما قرارداد وضع می کنه یا از طریق تلیفون هم میشه یا انترنت؟ به چی شکلی است؟

BAKPrivateKabul100618: داریم ما انترنیت سیستم هم داریم. تلیفون هم داریم.

ک: اعتبار می توانید در او شکل؟

BAKPrivateKabul100618: اعتبار باید آنها کنه. این طور مردم که ما همراهشان نو باشیم، آنها مجبور اول پیسه جمع کنه [واریز کنه] باز ما برایشان سامان روان می کنیم.

ک: مهم نیست که رو به روی ببینید؟

BAKPrivateKabul100618: نی! هیچ مهم نیست. یک بار، دو بار که کار کردیم باز ما مشکل نداریم همراه او نفر که باز، جنس برایش روان می کنیم.

ک: رسیدیم به صفحه آخر.

BAKPrivateKabul100618: خدا کنه! [خنده]

ک: از 24 ساعت چند ساعتشه در کار وقف می کنید؟

BAKPrivateKabul100618: ده فابریکه؟

ک: ها، خود شما و دیگر کارگرها چند ساعت کار می کنند؟

BAKPrivateKabul100618: ما تقریبا 11 ساعت کار می کنیم ده فابریکه.

ک: کارگرها هم؟

BAKPrivateKabul100618: کارگرها هم.

ک: ما هم یازده ساعت یا زیاد کار می کنیم.

BAKPrivateKabul100618: ما باید برسیم [به کارها] و باید که زیادتر کار کنیم از اینها کرده.

ک: بعد از ایجاد این شرکت در کدام بخش دیگری هم سرمایه گذاری کرده اید؟

BAKPrivateKabul100618: ما گفتیم که ما فامیلی تاجر هستیم. مثلا در همین بخش هستیم. برادر ما ساختمانی، شرکت ساختمانی داره. کارهای زراعتی هم داریم ما در قندهار. جایداد کلان داریم. باغ ها و این چیزها.

ک: که از او هم استفاده می کنید!

BAKPrivateKabul100618: [بله] استفاده می کنیم.

ک: یک سوال آخر. انگیزه ی اول اول که شما داشتید به خاطر سرمایه گذاری در بخش تولید، یکی خو مثلا آدم می خواهه پولدار شوه، پیسه دار شوه. چرا در این بخش تصمیم گرفتید [سرمایه گذاری کنید] و انگیزه اش چی بود؟ چرا تولید؟ چرا، مثلا نرفتید ... بسیاری کس های دیگر در بخش خدمات کار کرده اند. انگیزه ی شما چی بود در همان اول؟

BAKPrivateKabul100618: وقتی که ما محصل بودیم زیاد کوشش می کردیم که یک کار کنیم به وطن ما فایده برسه. همی شوق داشتیم که زیاد مردم همراه ما کار کنه. به خاطری که همی جنجال های وطن ره می بینیم. این جنگ و جدال می بینیم، از یک چیز است که کار و بار نیست. مردم بیکار است. میرن اونجه و دیگه جای دست می اندازه. وقتی که ما آمدیم کارهای خُرد شروع کردیم. مثلا از گرین هوس [greenhouse] شروع کردیم، خودم. ما در همی تجارت نبودیم. برادرم بود. ما از گرین هوس شروع کردیم. یک تا جور کردیم. باز او خوب شد. باز او ره دو تا کردیم. حتا هشت تا رساندیم. جور کرده می رفتیم. به خاطری که خودم کار نمی کردم یک منجمنتش ره جور می کردم، سرِ نفرها. خوب معاشات هم می دادیم. باز آنها بسیار پیش مه ره [نامفهوم] از ترکاری همین طور یک سیستم بود که پیسه اش نقد بود باز از او خوب کار گرفته می توانستیم. باز این طور یک پلان ها داشتیم. بعد از او وقتی که ما کارها ره چی شدیم، باز مجبور شدیم که ما مجبور شدیم اینجه بیاییم.

ک: چرا مجبور شدید؟

BAKPrivateKabul100618: به خاطری که یک برادرم می رفت چین. گفت که تو حتما بیایی و این کارها ره پیش ببری.

ک: یعنی فابریکه وجود داشت!

BAKPrivateKabul100618: [بله] فابریکه وجود داشت. ما آنقدر تجربه زیاد نداریم. از ما تقریبا دو سال میشه که در همین فابریکه هستیم. پیش از ما برادر کلانم بود.

ک: سلامت. تشکر!

BAKPrivateKabul100618: خیر ببینید. زنده باشید.